



پروفیسر کاہنہ علوم انسانی مطالعات فرہنگی
پرنٹل جامع علوم انسانی

□ مزیت تخصص لیبرالی!



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

□ شهید مهدی رجب بیگی

اگر یادتان باشد حوالی انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بحث مفصلی بود بین اینکه کارتر بهتر است یا ریگان و در این زمینه عده‌ای را عقیده بر آن بود که مسئله گروگانها را چند ماه قبل از شروع انتخابات آمریکا حل کنیم تا شاید کارتر باز هم بماند. البته این قضیه که عمده‌تاً از جانب لیبرالها عنوان میشد بدین ترتیب بود که آنها می‌گفتند کارتر از

جناح دمکراتهاست و طرفدار حقوق بشر در صورتیکه ریگان از جمهوریبخواهان و طرفدار مشی نظامی‌گری است. اما ما که هیچ‌گونه تخصصی در این باب نداشتیم می‌کله شقی کردیم و گفتیم «بابا هر دو سر رته یک کر باسند». آنها می‌گفتند کارتر از جناح کبوتران است و ریگان از جناح بازها باید هر طور شده کاری کنیم که ریگان نیاید اما ما پیمان را در یک

کفش کرده بودیم که «سگ زرد برادر شغال است». آنها می‌گفتند کارتر صلح طلب است و ریگان جنگ طلب بنابراین اگر ریگان روی کار بیاید همه را به جنگ میکشد پس بیاید بشفع کارتر بوسر چاپ کنیم تا او انتخاب شود اما ما باز هم زیر بار نرفتیم و در جواب سخن

آنان مبنی بر آنکه «کارتر خوب یا ریگان؟» گفتیم «لعنت به هر دو تا شان!» آنها می‌گفتند کارترها دوست دارند در دنیا صلح باشد تا بتوانند کالاهایشان را براحتی بفروشند و کارشان سکه شود ولی ریگانها در پی ایجاد پیکار! هستند تا بتوانند درآمد کلانی بابت فروش سلاح

بدست آورند اما باز هم داد زدیم «نه کار می‌خوایم نه پیکار، لعنت به مردم آزار» وقتی هم که سرانجام مستر ریگان انتخاب گردید آنها طی مرثیه‌های طولانی که در صفحات روزنامه‌های خود نوشتند تاسف خود را از این حادثه اعلام داشته و گفتند که با این حساب دیگر وضع «بازرگانی!» خراب شده و با روی کار آمدن ریگان زد و خورد های «خیابانی!» افزایش

پیدا خواهد کرد اما ما همچنان سر حرف خودمان ایستادیم و با یکدنگی اعلام کردیم «ما دشمنیم با شیطان، چه با کارتر، چه ریگان» آنها با خشم اعلام کردند که بابا این ریگان سعه «صدرا» ندارد و با دستمال «بزدی!» هم نمیشود اورا راضی کرد در حالی که کارتر با ابریشم یک «ابریشمی!» ساده هم دلش نرم میشود اما ما باز هم به حرف «لیبرالهای پیرو خط ملانصرالدین!» گوش ندادیم تا بالاخره بعد از روی کار آمدن ریگان «گان!» ها بیرون

آمد و تغییرات مهمی در دنیا پدیدار شد و همه چیز از صلح به جنگ تغییر یافت که مهمترین این تغییرات روی آوردن مجاهدین از سیاست صلح و حقوق بشر به جنگ مسلحانه بود. اینجا بود که ما فهمیدیم که سوادمان کم است و الحق که لیبرالها در این زمینه دارای تخصص بسیار زیادی بوده و پیش‌بینی‌شان درست از آب درآمده است. البته ناگفته نماند که مجاهدین ناقلاهم به ما کلک زده بودند و چنین وانمود کرده بودند که «دمکرات» هستند اما بعداً معلوم شد که خیر، آنها از روز اول «جمهوریبخواه» بوده‌اند!